

## قرآن کلام الله است یا کلام محمد؟

در برنامه «کافه روشنگران» رادیو تلویزیون مانی؛ آقای شیخ یحیی زاده خطیر (مقیم آلمان) فرمودند: قرآن برای مؤمنین است، نه برای همه مردم! و محمد را صاحب قرآن و الله را مربوط به اعراب دانست. در جواب آقای سلیمانی که پرسید آیا قرآن: کلام الله است یا کلام محمد؟. خلاصه با مغلطه گفت: قرآن از دولب محمد آمده!، هم تناقض دارد! و هم برای اداره کردن جامعه نیست! همچنین مرجع تقلید شیعه جناب آیت الله سید کمال حیدری در وبسایت خود فرمودند: احکام ادیانی که مال بیش از ۱۴۰۰ سال قبل است، قابلیت اجرایی در زمان کنونی را ندارند! فرمایشات این دو بزرگوار را دستمایه مقاله حاضر قرارداده و عرض می‌کنم: بنده هیچ ایرادی به مطرح شدن چنین موضوعاتی در رسانه‌ها ندارم و می‌گویم: کاش این روش از پنجاه سال قبل آغاز می‌شد! ولی علت معضلات موجود جهان و مجهولاتی در دین و قرآن را مغفول ماندن موضوع «محکّمات» و «متشابهات» مذکور در آیه ۷ سوره آل عمران و توجه نکردن به موضوع حکمت بالغه بودن قرآن (آیه ۵/قمر) می‌دانم و می‌خواهم: برای اثبات عرایض شواهدی از علم و تاریخ و قرآن بیان کنم، و از دانشمندان و محققین محترم تقاضا می‌کنم بدون تعصب به دین و مذهب خاصی این مقاله را مطالعه و منصفانه نقد نمایند. امیدوارم روشنگر مسائل مهمی باشم!:

## ۵۴) سوره قمر (آیه ۵: حِكْمَةٌ بِاللَّغَةِ فَمَا تُغْنِ التُّدْرُ ﴿۵﴾: حکمت بالغه است، و هشدارها سودی نبخشیده است! (۵)

{این آیه؛ به تنهایی گویا نیست باید تأویل بشود! مخصوصاً با آیات پس و پیش!}

## ۱۵) سوره حجر (آیه ۹: إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۹﴾: بی تردید ما این ذکر را نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود (۹)

این آیه نیز به تنهایی گویا نیست، ولی اعراب زمان جاهلیت بدون چون و چرا باید به مفهوم حاصل از محکّمات قرآن ایمان می‌آوردند! ولی نسل تحصیل کرده قرن بیست و یکم آیات بی دلیل و منطقی را نمی‌پذیرند و می‌خواهند مفهوم تک تک آیات قرآن را در ارتباط با قوانین علمی طبیعت و یافته‌های دانشمندان بفهمند و نتیجه‌گیری نمایند. لذا بنده برای مشخص بودن اصل و نسب آیه، شماره و نام سوره و آیه را در ابتدای هر آیه نوشته‌ام تا شاهدهی مشخص و مستند برای تأویل کردن متشابهات آیات دیگر باشند. مثلاً در آیه ۹ حجر شماره سوره = ۱۵) نام سوره و سپس شماره آیه (۹: و بعد از نوشتن کلمات عربی آیه (یا محکّمات) ترجمه فارسی محکّمات با «خط درشت بُلد شده» نوشته شده، و از ظاهر آیه برداشت می‌شود: که «ذکر» نازل شده، توسط نازل کننده نگهبانی می‌شود! ولی برای شخص ناآگاه به مفهوم ذکر و نازل کننده، کل آیه گنگ و نامشخص است! لذا برای روشن شدن موضوع آیه، حداقل بعد از «ذکر» باید نوشت (قرآن) تا خواننده آیه بداند منظور از ذکر: قرآن است ولی چنانچه به استناد آیات شاهدهی از قرآن و توضیح کاملی تأویل دو آیه فوق الذکر را در سوره‌های مربوطه ببینند که بشرح ذیل نوشتیم!، مفهوم آیات کاملاً واضح و روشن می‌شوند. (و آقای یحیی زاده در نهایت شگفتی! خواهد دانست نازل کننده قرآن از طریق وحی کیست؟ و آیات قرآن را چون کلماتی برآمده از دولب محمد است، کلام محمد نخواهد گفت!)

(۵۴) سوره قمر (آیه ۱: افْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ﴿۱﴾: نزدیک شد آن ساعت که فرستاده موعود خدا برای تأویل کردن تشابهات قرآن بیاید، و عموم مردم را از حقایق آگاه سازد، سپس بر پا شود روز قیامت} و از هم شکافت ماه (۱)

(۵۴) سوره قمر (آیه ۲: وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿۲﴾: و {کافران} اگر نشانه‌ای {از آمدن فرستاده‌ای را} ببینند {متاسفانه به علت فکر نکرده و بی دلیل} روی بگردانند و گویند سحری دنباله‌دار است. (۲)

(۵۴) سوره قمر (آیه ۳: وَكذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ ﴿۳﴾: و آنها به تکذیب {محمد، فرستاده‌ای که قرآن را با محکمت و تشابهات علمی تأویل نشده آورد} پرداختند {ولی به حقیقت مفهوم آیات نیاندیشیدند، لذا عبرت نگرفتند} و {فرزندانشان} بازهم هوسهای خویش را دنبال کردند و {فکر نکردند که عاقبت} هرامری قراری است (۳)

(۵۴) سوره قمر (آیه ۴: وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ﴿۴﴾: و {با وجود اینکه حکایت‌های فراوانی از پیامبران و امت‌های پیشین در قرآن دیدند، هیچ نیاندیشیدند، چرا در قرآن} این همه اخبار عبرت انگیز به آنها رسیده است؟. (۴)

(۵۴) سوره قمر (آیه ۵: حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ التُّذْرُ ﴿۵﴾: {کافران ندانستند که آیات قرآن} حکمت بالغه است، و همه بر اساس علم گفته شده‌اند و چون هنوز مردم آگاهی لازم را ندارند، لذا {هشدارها} سودی نبخشیده است! (۵)

(۵۴) سوره قمر (آیه ۶: فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ ﴿۶﴾: پس {ای محمد، فعلاً} از آنان روی برتاب (تا) روزی که آن دعوتگر {موعود در سوره بینه، آنها را} به چیزی غریب و ناشناخته {قرآن بزرگ} دعوت کند (۶) {آیا: شگفت انگیز نیستند؟}

(۱۵) سوره الحجر (آیه ۹: إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۹﴾: بی تردید ما این ذکر {کتاب قرآن بزرگ} را {در کودکی حکم دادیم (مریم: ۱۲)} و شب قدر بر لوح محفوظ نازل کردیم (سوره قدر) و در گذشته قسمتهایی از آن را بر ارواح پیامبران بسیار (به شرح حکایت‌های قرآن و تاریخ) وحی نمودیم و محکمت آن کتاب را در ۲۳ سال توسط جبرئیل بر محمد و تأویل کردن تشابهات را بر تو {نازل کرده‌ایم و قطعاً} توسط روح القدس {نگهبان آن خواهیم بود} تا کامل شود} (۹)

(۱۵) **سوره الحجر (آیه ۱۰):** وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِعَابِ الْأَوَّلِينَ ﴿۱۰﴾ و به یقین پیش از تو [نیز] در گروههای پیشینیان پیامبرانی که روحشان روح القدس بوده مانند: یحیی و عیسی مسیح فرزند مریم باکره { فرستادیم (۱۰)

(۱۵) **سوره الحجر (آیه ۱۱):** وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿۱۱﴾ و در قدیم نیز { هیچ پیامبری که دارای روحی از روح الامین و یا روح القدس بوده { برایشان نیامد جز آنکه کافران { او را به مسخره می گرفتند (۱۱)

(۱۴) **ابراهیم (آیه ۴):** وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۴﴾ و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا بزبان خودشان آیات کتاب ما را { برای آنان بیان کند، پس خدا هر که را {تا هر زمانی} بخواهد بی راه می گذارد!، و هر که را {در هر زمانی} بخواهد {باوحی به پیغمبری برمی گزیند و قوم آن پیامبر را به راه راست { هدایت می کند، و اوست ارجمند حکیم (۴)

با روشی که می بینید: بدون تغییر در ترجمه محکمات ؛ براساس آیات شاهد مذکور در سوره های مربوطه در کتاب قرآن بزرگ و با هدایت محکمات ، متشابهات آیات شرح فوق الذکر تأویل شده و مفهوم کاملاً روشنی پیدا کرده اند. البته مترجمان و مفسرانی قبل از من ، کم و بیش آیات قرآن را تأویل کرده اند ولی بنده بجز نوشتن نام و نشان آیه در ابتدای هر آیه ، آیات را با سبکی که می بینید تأویل کامل و روشنی نموده ام ، لطفاً در آیه ذیل: فرق یک نمونه از کار دیگران و بنده را ببینید.

**آیه ۷ سوره آل عمران:** هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۷﴾

انصاریان: اوست که این کتاب را بر تو نازل کرد که بخشی از آن کتاب ، آیات محکم است [که دارای کلماتی صریح و مفاهیمی روشن است] آنها اصل و اساس کتاب اند ، و بخشی دیگر آیات متشابه است [که کلماتش غیر صریح و معانی اش مختلف و گوناگون است و جز به وسیله آیات محکم و روایات استوار تفسیر نمی شود] ولی کسانی که در قلوبشان انحراف [از هدایت الهی] است برای فتنه انگیزی و طلب تفسیر [نادرست و به تردید انداختن مردم و گمراه کردن آنان] از آیات متشابهش پیروی می کنند ، و حال آنکه تفسیر واقعی و حقیقی آنها را جز خدا نمی داند. و استواران در دانش [و چیره دستان در بینش] می گویند: ما به آن ایمان آوردیم ، همه [چه محکم ، چه متشابه] از سوی پروردگار ماست. و [این حقیقت را] جز صاحبان خرد متذکر نمی شوند.

خرمشاهی: او کسی است که کتاب را بر تو نازل کرد که بخشی از آن محکمات است که اساس کتاب است ، و بخش دیگر متشابهات است ، اما کج دلان ، برای فتنه جویی و در طلب تاویل ، پیگیر متشابهات می شوند ، حال آنکه تاویل آن را جز خداوند و راسخان در علم که می گویند به آن

ایمان آورده ایم ، همه از پیشگاه خداوند است نمی دانند ، و جز خردمندان کسی پند نمی گیرد  
**فولادوند:** اوست کسی که این کتاب [=قرآن] را بر تو فرو فرستاد پاره ای از آن آیات محکم [=صریح و روشن] است آنها اساس کتابند و [پاره ای] دیگر متشابهاتند [که تاویل پذیرند] اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می کنند با آنکه تاویلش را جز خدا و ریشه داران در دانش کسی نمی داند [آنان که] می گویند ما بدان ایمان آوردیم همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی شود  
**قمشه‌ای:** اوست خدایی که قرآن را بر تو فرستاد که برخی از آن کتاب آیات محکم است که اصل و مرجع سایر آیات کتاب خداست و برخی دیگر متشابه است ، و آنان که در دلشان میل به باطل است از پی متشابه رفته تا به تاویل کردن آن در دین راه شبهه و فتنه‌گری پدید آرند ، در صورتی که تاویل آن را کسی جز خداوند و اهل دانش نداند ؛ گویند: ما به همه کتاب گرویدیم که همه از جانب پروردگار ما آمده ، و به این (دانش) تنها خردمندان آگاهند.

**مکارم شیرازی:** او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد ، که قسمتی از آن ، آیات «محکم» (صریح و روشن) است ، که اساس این کتاب می باشد ؛ (و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر ، با مراجعه به اینها ، بر طرف می گردد). و قسمتی از آن ، «متشابه» است (آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهت دیگر ، در نگاه اول ، احتمالات مختلفی در آن می رود ؛ ولی با توجه به آیات محکم ، تفسیر آنها آشکار می گردد). اما آنها که در قلوبشان انحراف است ، به دنبال متشابهات اند ، تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) ، و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند ؛ در حالی که تفسیر آنها را ، جز خدا و راسخان در علم ، نمی دانند. (آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم ، همه از طرف پروردگار ماست.» و جز صاحبان عقل ، متذکر نمی شوند (و این حقیقت را درک نمی کنند).

**بهنام توضیح و آیات شاهد:** (در سوره آل عمران کتاب قرآن بزرگ) بنده قبل از تاویل کردن این آیه ، سه آیه اول سوره بینه را شاهد آورده ام. چون در صفحه ششم ؛ سوره بینه را خواهید دید. برای جلوگیری از تطویل کلام اینجا نوشتم.

و توضیحاً عرض می کنم: در سال ۱۳۸۷ ه. ش. بنده با برنامه تلویزیونی (آقای رضا فاضلی) که از لوس آنجلس پخش می شد آشنا شدم. وی ادعا داشت که لیسانس ادیان دارد ، و (محکمات) آیات قرآن را ترجمه و آنان را بعضاً متناقض یکدیگر معرفی می کرد! و از این کار برای جلب توجه مردم به برنامه خود استفاده می کرد! بنده که مسلمان شیعه موروثی و به خدا و قرآن معتقد ولی درس قرآن و عربی نخوانده بودم از حرف ایشان متعجب شدم! و چون می گفت: **حرف من را قبول نکنید و اگر عربی نمی دانید بروید قرآنهای ترجمه به فارسی را بخوانید**، علاقمند شدم در مورد ادعای ایشان تحقیق کنم. چند کتاب قرآن ترجمه به فارسی استادان معروفی خریدم و متأسفانه حرف ایشان را **صحیح یافتیم!** و چون در قرآن تشویق به تحصیل علم را بسیار و در بعضی آیات دیدم که نازل کننده فرموده: **معنی این حرفها را دانشمندان می دانند!** ، مخصوصاً در آیه ۷ سوره آل عمران قرآن را متشکل از دو قسمت «محکمات» (نوشته) و «متشابهات» (نانوشته) دانسته و فرموده: **تاویل آنها را جز خدا و راسخان در علم نمی دانند!** لذا درک مفهوم حقیقی آیات قرآن را مشروط به آگاهی از قوانین علمی دانستم و به مطالعه کتب و وبسایتهای علمی مخصوصاً فیزیک قدیم و جدید پرداختم و با لطف خدا و هدایت محکمات قرآن ، مفهوم و پیام تازه و شگفت انگیزی از آیات تاویل شده قرآن دریافتم! ، و وقتی مطلبی از بیانات تاریخ ۸۶/۶/۲۲ مقام معظم رهبری را خطاب به قاریان قرآن در اینترنت دیدم که فرموده:

..... اما من مرحله ی قبل از عمل را عرض می کنم: **آموختن قرآن**، فهم معارف قرآن، تدبر در آیات قرآن و کلمات قرآنی. این کلماتی که شما ملاحظه می کنید، همان چیزهایی است که خداوند متعال به عنوان آخرین ذخیره ی معنوی و وحی الهی به بشریت عطا کرده است. همین هاست که باید بشر را تا ابدالآباد، تا انتهای این عالم، به راه های سعادت و فلاح و رستگاری هدایت کند؛ پر از معارف است این ها؛ این ها را باید فهمید.

و بارها در فرمایشات ایشان نیز تأکید بر فهمیدن بطون قرآن را شنیدم! لذا فهمیدم که با اندیشیدن در بطن آیات ، حتماً به چیزی غیر از آنچه در ظاهر آیات می بینیم پی می بریم! لذا باید با اندیشیدن خردمندانه صحیح ؛ متشابهات آیات را درست تأویل کنیم! زیرا خداوند که هرگز حرف غیر علمی و غیر منطقی نمیزند! لذا دانستم: معارفی را که باید فهمید ، من فهمیده ام! ، و درحد بضاعت خود با استفاده از کشفیات دانشمندان و یا «راسخان در علم» و شواهدی از سایر آیات قرآن متشابهات قرآن را تأویل علمی خردمندانه نموده و با الهام از آیه ۸۷ سوره حجر (به ترتیب نزول آیات) در کتابی به نام «قرآن بزرگ» نوشتم ، و با دیدن تأییداتی دیگر بیشتر از پیش علاقمند و احساس وظیفه نمودم که نسبت به تأسیس شورای «راسخان در علم» جهانی اقدام نمایم ، تا با استفاده از دانش جدید دانشمندان و هدایت محکمت غیر قابل تغییر قرآن! متشابهات قرآن را تأویلی بی نقص نموده و راه حلی برای مشکلات امروز ایران و جهان بیابیم ، و ساکنان کره زمین را از ظلم و ستم و مشکلات موجود نجات دهیم. ان یشاء الله. پس از تأویل کردن متشابهات قرآن و آشکار شدن حقایقی! ، آیات قرآن را خطاب به مردم دو نسل و دو پیامبر کاملاً متفاوت از هم دیدم! مثلاً به موجب آیات ۷ سوره شورا و ۹۲ سوره انعام: محکمت قرآن در زمان جاهلیت خطاب به حضرت محمد (ص) برای ایمان آوردن اعراب سرزمین مکه و پیرامون آن نازل شده! ولی وقتی بعد از ۱۴۰۰ سال امروز متشابهات آیات قرآن به ترتیب نزول بر حضرت محمد(ص) تأویل علمی می شوند! ، می بینیم: بعضی از آیات خطاب به فرستاده موعود سوره بینه و مردم تحصیل کرده و آگاه قرن بیست و یکم هستند! آری به - درستی: قرآن مال تمام اعصار است! لطفاً تأویل بنده را بین کلمات محکم در داخل {آکولاد} ببینید ، تأویلهای داخل [کروشه] و (پارانتز) از مترجمین محترم می باشد.

**(۳) سوره آل عمران (آیه ۷: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (آیه ۷: {ای محمد/امین} او کسی است که این کتاب آسمانی را بر تو نازل کرد؛ که قسمتی از آن آیات ، «محکم» {با کلمات تغییر ناپذیر آمده از سوی خداوند} است که اساس این کتاب میباشد، و قسمتی دیگر «متشابه» {که بصیرتی و کامل کننده مفهوم منطقی آیات قرآن} است ، اما آنها که در قلوبشان انحراف است ، به دنبال متشابهات اند ، تا {با تغییر دادن مفهوم حقیقی آیات} فتنه انگیزی کنند ؛ و تأویل (نادرستی) برای آن می طلبند؛ درحالی که تأویل {درست} آنها را جز {فرستاده موعود} خدا و راسخان در علم نمی دانند. {آنها} می گویند: ما {از طریق علم و دانش و خرد} به آن ایمان آوردیم تمامی آن از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان {حقیقت را ندانسته و حقیقت آیات را} متذکر نمی شوند**

(۷)

{آیا می دانید: چرا بجای «جز خدا»، نوشتیم: «جز/فرستاده موعود خدا»؟، زیرا می دانم: خداوند دانا همه چیز را می داند و به چیزی ایمان نمی آورد! ولی آنها (= فرستاده موعود خدا و راسخان در علم) بعد از اینکه به چیزی یقین پیدا کنند؛ بهش ایمان می آورند!}

(۴۲) **سوره شورا (آیه ۷):** وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ﴿۷﴾ و {ای محمد} بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا {مردم} ام القرای {مکه را که قبله مسلمین است} و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی و از روز گردآمدن همه در قیامت {که تردیدی در آن نیست بیم دهی {به آنها بگو} گروهی {نیکان} در بهشتند و گروهی {بد} در آتش {جهنم} (۷)

(۶) **سوره انعام (آیه ۹۲):** وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبْرُوكٌ مُّصَدِّقٌ لِّلَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۹۲﴾ و {ای محمد} این {قرآن بزرگ در لوح محفوظ} خجسته کتابی است که ما {فقط کلمات محکم} آن را {در قرآن بر تو} فرو فرستادیم {که} کتابهایی را که پیش از آن آمده تصدیق می کند و برای اینکه {مردم} ام القری [= مکه] و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی! و {فقط} کسانی که به آخرت ایمان دارند به آن ایمان می آورند و آنان {از ترس عذاب آخرت} بر نمازهای خود مراقبت می کنند. {اولی روزی می رسد که به علت فزونی علم مردم، هیچ آیه ای بدون دلیل پذیرفته نگردد!} (۹۲)

آیات فوق بدون تأویل شدن نیز نشان می دهند که قرآن برای هشدار دادن مردم ام القرای مکه و اطرافش نازل شده تا اعراب بادیه نشین از ترس آخرت به دین اسلام و قرآن ایمان آورند، (پس حرف آقای حیدری و قسمتی از حرف آقای یحیی زاده صحیح است) و دریافتم: چون خداوند آگاه بر همه چیز! می دانسته، اعراب بت پرست زمان جاهلیت بی خبر از علم و منطق زمان خود هستند! و حتی یهود و نصاری آن زمان نیز از علم و تکنولوژی امروز در قرن بیست و یکم! بی خبرند!، پس قادر به درک مفهوم حقیقی آیات کامل کتاب «قرآن بزرگ» محفوظ در «لوح محفوظ» (یا «ذهن جهانی» مورد تأیید دانشمندان) که براساس حقایق علمی نوشته شده؛ نخواهند بود!، لذا فقط محکمت قرآن را به حضرت محمد (ص) وحی فرموده تا اعراب بت پرست مکه و پیرامون آن را بدون نیاز به دلایل علمی! به دین اسلام دعوت کند و آنان نیز فعلاً از ترس عذاب آخرت به مفهوم حاصل از محکمت قرآن ایمان بیاورند!، ولی به تدریج که با مکشوفات علمی دانشمندان! آگاهی آنها بیشتر خواهد شد، شاید متناسب با علم و آگاهی مکتسب خود و هدایت محکمت قرآن؛ متشابهات قرآن را تأویل علمی خردمندانه نموده و حقیقت را بیابند! که متاسفانه تا کنون تأویل نکردند و هنوز هم حقیقت را نیافتند!.

لازم می دانم عرض کنم: خدا و دین؛ باوریست که در سرشت آدم ابتدایی تا مدرن امروزی وجود دارد و لزومی برای زدودن آن نیست! بلکه باید با عقل و منطق آن را فهمید و با توجه به حکمت بالغه بودن قرآن؛ با تأویل

کردن منطقی؛ آیات قرآن را اصلاح و کامل کرد!، پس از طریق علم کوانتوم یا ذره که هنوز دریای ناشناخته‌ای برای بشر است! و روح که می‌دانیم در همه چیز وجود دارد و جزئی از ذهن جهانی است و کاینات به‌وجود آمده از انرژی نیز از طریق همین روح با هم یکپارچه و واحد می‌باشد! سعی می‌کنیم اول خدا یا «انرژی مطلق» را بشناسیم. و از کتاب شروع می‌کنیم: قرآنی که امروز می‌بینیم، در ابتدای امر وقتی که حضرت محمد(ص) آیات را از طریق وحی دریافت و برزبان آورده؛ (چون پیامبر خواندن و نوشتن بلد نبود!) توسط کاتبان قرآن با خط کوفی بی‌نقطه و زیر و زبر بر پوست، برگ، استخوان کتف شتر و غیره نوشته شدند! و حافظان قرآن نیز آیات را بر-حافظه خود سپردند و چندین سال بعد از رحلت پیامبر اسلام در زمان خلافت عثمان (خلیفه سوم مسلمین) یادداشتها پراکنده جمع‌آوری و با همان خط نیز تبدیل به کتاب اولیه قرآن شده! و به مرور زمان با استفاده از خطوط مختلف، به دست نمایندگان زمینی خدا به چنین شکلی درآمد! ان‌شاءالله با یاری «راسخان در علم» کاملاً تأویل و هم‌ارز و هم‌سنگ: کتاب «قرآن بزرگ» موجود در لوح محفوظ نیز خواهد شد! از طرفی خداوند یا انرژی مطلق از بدو امر به اوضاع امروز ما آگاه بوده و می‌دانسته: زمان زیادی برای اکتشافات قوانین طبیعت و آگاه شدن مردم لازم است و عمر محدود حضرت محمد (ص) کفاف این کار را نمی‌دهد!، لذا در مفهوم مجموع سوره‌های بینه و مریم و شعراء و فاطر و غیره به خود حضرت محمد (ص) آمدن فرستاده‌ای عجمی که نامش به معنی احمد و روحش «روح القدس» باشد را وعده کرده، و تا امروز به مردم جهان فرصت داده تا متناسب با مکشوفات علمی دانشمندان؛ آگاهی لازم را کسب کنند! به نظر بنده: تأویل شدن متشابهات و حکمت بالغه بودن قرآن، شاهکار است بی‌نظیر و بهترین و بزرگترین معجزه قرآن می‌باشد! که معادل بروز رسانی سامانه‌های هوشمند اینترنتی یا (upd آپدیت شدن) است!

(لطفاً شواهد بیشتری را در وبسایت [www.rasekhan.com](http://www.rasekhan.com) ببینید)

۹۸) سوره بیّنه (آیه ۱: لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (آیه ۱: ای محمد! کافران! {به آیات خدا در قرآن} از اهل کتاب و مشرکان! دست از {پندار و} آیین خود بر نمی‌دارند! تا {زمانی که آیات و متشابهات قرآن تأویل علمی شوند و} دلیل روشنی {از اعجاز و مطالب علمی قرآن} برای آنان بیاید!.

(۱)

۹۸) سوره بیّنه (آیه ۲: رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً (آیه ۲: رسولی از سوی خدا (بیاید!) که {مکنونات متشابهات} صحیفه‌های پاک {قرآن} را {بر آنان و آیندگان} بخواند، (۲) {توجه: (بیاید!) را ناصر مکارم شیرازی نوشته}

۹۸) سوره بیّنه (آیه ۳: فِيهَا كُتِبَ قَبِيْمَةٌ (آیه ۳: که در آن نوشته‌های {حقیقی درست و علمی} پر ارزشی باشد!.

(۳)

۹۸) سوره بینه (آیه ۴: وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ (آیه ۴: و اهل کتاب (نیز پیش از این در دین خدا) اختلاف نکردند مگر بعد از آن که دلیل روشنی {در آیه ۶۴ آل عمران} برای آنان آمد.

(۴)

۹۸) سوره بینه (آیه ۵: وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (آیه ۵: و {در آیه ۶۴ سوره آل عمران قرآن} به آنها دستوری داده نشده بود، جز این که خدا را پرستند، و دین خود را برای او خالص کنند! و به توحید {دینی نیز} بازگردند، و {با روی آوردن به دین اسلام خالص} نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند؛ و این است دین پایدار.

(۵)

۹۸) سوره بینه (آیه ۶: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (آیه ۶: و {اینک: به موجب این بیانیه و برهان قاطع اعلام می‌داریم، اگر:} کافران از اهل کتاب و مشرکان، {بعد از اینکه فرستاده موعود آمد و کتاب قرآن بزرگ را آورد و از حقیقت مکنونات و متشابهات قرآن آگاه شدند!، باز هم به قرآن و اسلام خالص ایمان نیاورند} در آتش دوزخند، جاودانه در آن می‌مانند؛ آنها بدترین خلق (خدا) هستند.

(۶)

۹۸) سوره بینه (آیه ۷: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (آیه ۷: (اما) کسانی که {مشرک بودن را ترک و به دین اسلام خالص} ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین خلق (خدا) هستند.

{توجه: آیات ۶ و ۷ جملات شرطی هستند؟}

(۷)

۹۸) سوره بینه (آیه ۸: جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (آیه ۸: پاداش آنها نزد پروردگارشان باغهای جاویدان بهشتی است، که {امواج انرژی ارواح بهشتی و فرشتگان همچون} نهرها از فرودست آن جاری است، {ارواح مؤمنین نیز که بهترین خلق خدا هستند قطعاً به بهشت وارد خواهند شد و برای} همیشه در آن می‌مانند؛ (هم) خدا از آنها خوشنود است و (هم) آنها از او {خوشنود} و این (مقام والا) برای کسیست که از {عذاب} پروردگارش بترسد {و از گناه توبه کند}.

(۸)

{توجه: در بهشت و جهنم واقع در انرژی تاریک یا آن دنیا!، ماده وجود ندارد و همه چیز بصورت امواج انرژی روح جاریست!}



۳) سوره آل عمران (آیه ۶۴: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿۶۴﴾ ای پیامبر! بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه، «به ربوبیت نپذیرد.» هر گاه (از این دعوت) سر باز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم» / و شما را نیز به دین اسلام دعوت می‌کنیم! وقتی در روز قیامت عذاب جهنم بر شما رسد. بعداً نگویید که چرا قبلاً پیامبری این را به ما نگفت! / (۶۴)

۲۶) سوره شعرا (آیه ۱۹۱: وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۹۱﴾: / روح القدس در قرآن می‌فرماید ای محمد! / {قطعاً پروردگار تو همان / انرژی مطلق / شکست‌ناپذیر مهربان است! / و تکذیب‌کنندگان در جهنم مجازات خواهند شد / (۱۹۱)}

۲۶) سوره شعرا (آیه ۱۹۲: وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۹۲﴾: و بی‌تردید این / محکمت قرآن با متشابهات بسیار که توسط روح القدس بر روح الامین و توسط او و فرشته جبرئیل بر تو / نازل شده / از سوی / پروردگار جهانیان است. / (۱۹۲)

۲۶) سوره شعرا آیه ۱۹۳: نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿۱۹۳﴾: / روح الامین / روحی از خدا که (به موجب آیات سوره شعرا) روح پیامبرانی مانند: نوح، هود، صالح، لوط، شعیب و تو است! / توسط فرشته «جبرئیل» / آن را نازل کرده، / (۱۹۳)

۲۶) سوره شعرا آیه ۱۹۴: عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿۱۹۴﴾: بر قلب تو تا از مُنذِرین / آگاهی دهنده از وحی / باشی. / (۱۹۴)

۲۶) سوره شعرا (آیه ۱۹۵: بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ﴿۱۹۵﴾: به زبان عربی روشن / که زبان مادری توست! / (۱۹۵)

۲۶) سوره شعرا (آیه ۱۹۶: وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأُولِينَ ﴿۱۹۶﴾: و [وصف] آن / فرستاده موعود: در صفحه ۴ ملاکی تورات، در قسمتی از فرا رسیدن روز داور، و آیه ۱۸ فصل ۱۴ انجیل یوحنا / در کتب پیشینیان / نیز آمده است! / (۱۹۶)

۲۶) سوره شعرا (آیه ۱۹۷: أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۱۹۷﴾: آیا برای آنان این آیات آمده در کتابشان { خود دلیلی روشن نیست که علمای بنی اسرائیل { مسیحیت } از آن اطلاع دارند؟ (۱۹۷)

۲۶) سوره شعرا (آیه ۱۹۸: وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿۱۹۸﴾: و اگر ما این کتاب {قرآن به زبان عربی} را {از همان اول بجای محمد عرب} بر بعضی مردم عجم {=ایران، به زبان فارسی} نازل می کردیم؟ (۱۹۸)

۲۶) سوره شعرا (آیه ۱۹۹: فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۹۹﴾: و پیامبر {عجمی = ایرانی} آن را {به زبان فارسی} برایشان می خواند به آن {اصلاً} ایمان نمی آوردند! (۱۹۹)

۲۶) سوره شعرا (آیه ۲۰۰: كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿۲۰۰﴾: این گونه {شرح آیات قبله و آیه ۳۲ سوره فاطر} در دل‌های گناهکاران {ایران! قرآن عربی را با متشابهات بسیار} راه می دهیم (۲۰۰)

۳۵) سوره فاطر (آیه ۳۲: ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْتِنُ اللَّهَ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿۳۲﴾: سپس این کتاب {درازی متشابهات بسیار} را به آن بندگان خود که {فرستاده موعود در سوره بینه را از بین آنان} برگزیده بودیم {در حمله اعراب به ایرانیان} به میراث دادیم، پس {هرکدام با فکر و درک خود از متشابهات قرآن، برداشتی نمودند و} برخی از آنان {با برداشت غلط از آیات قرآن برای خدا شریکانی انتخاب و آنها را پرستش کردند!} که مشرک و {برخود ستمکارند، و برخی از ایشان میان‌ه‌رو و برخی از آنان درکارهای نیک به فرمان خدا پیشگامند و این خود فضل کبیر است {برای ایرانیان پیشگام} (۳۲)

می دانیم: آیات قرآن توسط جبرئیل برحضرت محمد(ص) نازل شده و ایشان نیز بدون کم و زیادی بازگو فرموده و در آیه ۳۲ سوره فاطر منظور از این کتاب «قرآن» است، ولی جمله: به آن بندگان خود که ..... برگزیده بودیم ..... به میراث دادیم. اگر تأویل نشود جمله روشن و کاملی نیست! لذا با هدایت محکمت آیه و استفاده از تاریخ و شواهدی از آیات سایر سوره‌های قرآن؛ بنده تأویل فوق‌الذکر را نمودم (لطفاً شواهد را در سوره فاطر کتاب قرآن بزرگ ببینید) که متاسفانه بازگو کننده خاطره تاریخی بسیار تلخی در مورد ایمان آوردن اجباری اجداد ما ایرانیان!، و خوشبختانه بشارت مسرت بخشی برای امروز و آینده ما و جهانیان می باشد! اما چون مفهوم حاصل از محکمت آیه « ۴۰ سوره احزاب»: حضرت محمد(ص) را خاتم الانبیاء دانسته! لذا بزرگان دین اسلام به علت عدم آگاهی به‌علومی که دانشمندان امروز کشف کرده‌اند!، بصیرت لازم را برای تأویل کردن متشابهات قرآن و «آیه ۴۰ احزاب» نداشته‌اند!، متاسفانه هرگز فکر نکردند: که آیات قرآن دروغ نیست! و آیات سوره بینه به‌روستی

گفته ؛ بعد از حضرت محمد (ص) فرستاده دیگری برای تأویل کردن متشابهات قرآن خواهد آمد! لذا بی خبر از حقایق فوق الذکر ، حضرت محمد را خاتم الانبیاء و آیات سوره بینه را مربوط به آمدن حضرت محمد(ص) دانسته - اند! و چون در تورات و انجیل وعده آمدن فرستاده موعودی را به شرح ذیل دیده بودند:

در کتاب تورات صفحه ۴ ملاکی نوشته شده: پیش از رسیدن روز بزرگ و هولناک «داوری خداوند» من رسولی شبیه ایلیای نبی برای شما می فرستم، او دلهای پدران و فرزندان را دوباره بهم نزدیک خواهد آورد و این باعث خواهد شد آه من سرزمین شما را ویران نکند.

و در آیه ۱۸ فصل ۱۴ انجیل یوحنا «روح القدس» روح حضرت عیسی (ع) از درون جان حضرت مسیح فرموده:  
شما را یتیم نمی گذارم، نزد شما می آیم. /

به فکر چاره افتادند تا مسلمانان هم در آخرالزمان برای خود نجات بخشی داشته باشند. چون بعد از وفات پیغمبر ؛ بعضی از مردم عربستان انتظار داشتند حضرت علی (ع) جانشین پیامبر بشود و نشد!، لذا او و فرزندان را امامانی فوق بشر و شافعانی نزد خدا دانسته و پرستش کردند، و با خاتم الانبیاء دانستن حضرت محمد تصور آمدن پیغمبری بعد از ایشان ممکن نبود! لذا برای همچشمی و رقابت با ادیان دیگر با حدس و گمان بی منطق! و برخلاف سابقه تاریخی و عقل سلیم ، فرزند امام یازدهمین را غایب و آمدنش را برای تأویل کردن متشابهات قرآن و آوردن عدل و داد جهانی!، هم زمان با حضرت عیسی مسیح (ع) دانستند!، و بعد از ۱۴۰۰ سال هنوز منتظر آمدنش هستند! و احادیث حیرت انگیزی نیز به دروغ ساخته اند. خداوند آگاه بر این موضوع ؛ توضیحات مفصلی در قرآن داده که بنده در اینجا فقط به ذکر دو آیه ذیل بسنده می کنم:

(۴۳) زخرف (آیه ۵۷: وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُونَ ﴿۵۷﴾ و هنگامی که در مورد دوباره آمدن { پسر مریم } مثالی آورده شد، بناگاه قوم تو از آن {مثال} هلهله درانداختند {و الگو برداشتند! و ۱۲ امام را شریکان خدا دانسته و به آنها قانع نشدند و آخری را غایب دانستند تا روزی مانند روح القدس عیسی مسیح بیاید} (۵۷)

(۶) سوره انعام (آیه ۱۱۶: وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (آیه ۱۱۶: و اگر از بیشتر کسانی که در [این سر] زمین می باشند {و قرآن را تأویل و تفسیر می نمایند} پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند. (زیرا) آنان {علم و دانش لازم را ندارند و آیات راهنما را نیز نمی بینند! لذا برای تفسیر آیات قرآن} جز از گمان [خود] پیروی نمی کنند، و جز به حدس و تخمین (واهی) نمی پردازند. (۱۱۶)

در صورتی که موضوع خاتم الانبیاء بودن حضرت محمد (ص) دلیل علمی و منطقی دیگری دارد! خداوند در قرآن برای خود دو روح به نامهای «روح الامین» و «روح القدس» معرفی کرده که روح تمام مردم و ۱۲۴ هزار پیامبرانی که آمده اند، کلاً از این دو روح بوده و تا قیامت نیز خواهند بود! و به موجب سوره شعرا روح حضرت محمد(ص) از روح الامین می باشد و به استناد آیات شاهدهی که در سوره احزاب کتاب «قرآن بزرگ» منجر به تأویل کردن آیه «۴۰ سوره احزاب» شده: حضرت محمد (ص) در گروه پیغمبرانی که روحشان از «روح الامین» بوده خاتم الانبیاء است! نه در آمدن کل پیامبران! و به استناد آیاتی که دیدیم و شواهد بیشتری نیز خواهیم دید: راوی کلیه کتب آسمانی: «روح القدس» همان روح حضرت عیسی مسیح (ع) است که طبق وعده کتاب تورات و انجیل و قرآن، همانطور که قبلاً به شکل حضرت عیسی مسیح آمد!، امروز به شکل فرستاده موعود سوره بینه آمده! تا متشابهات قرآن را تأویل علمی نموده، ضمن حفاظت از اصالت قرآن، میان ادیان مختلف نیز داوری نماید!

(۳۳) سوره احزاب (آیه ۴۰: مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿۴۰﴾: محمد {یکی از آن پیامبران است و هرگز} پدر هیچ یک از مردان شما نیست. او رسول خدا و {در گروه پیغمبرانی که روحشان از «روح الامین» بوده} خاتم الانبیاء است؛ و خداوند به همه چیز داناست!.

(۴۰)

(۳) سوره آل عمران (۱۴۴: وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿۱۴۴﴾: و محمد جز فرستاده ای که پیش از او [هم] پیامبرانی {مانند: نوح، هود، صالح، لوط، شعیب، با روح مشترکی از «روح الامین» آمدند و} گذشتند نیست، آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از {دین و} عقیده خود برمی گردید؟ و هر کس از {دین و} عقیده خود بازگردد هرگز هیچ زبانی به خدا نمی رساند و به زودی خداوند {فرستاده خود را که در سوره بینه وعده داده با روح عیسی مسیح یا «روح القدس» به شکل ؟؟؟؟ می فرستد و در دنیا و آخرت} سپاسگزاران را پاداش می دهد

(۱۴۴)

(۱۹) مریم (آیه ۱۵: وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿۱۵﴾: و درود بر او {= روح القدس روح بزرگ خداوند} روزی که {به شکل یحیی پسر زکریا پیغمبری تعمید دهنده} زاده شد و روزی که {به شکل یحیی پیغمبری تعمید دهنده} می میرد و روزی که {به شکل عیسی مسیح پیغمبری که کتاب انجیل را آورد} زنده برانگیخته می شود.

(۱۵)

۱۹) مریم (آیه ۳۳: وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿۳۳﴾: و درود بر من [= روح القدس] روزی که [به شکل عیسی مسیح] زاده شدم و روزی که [به شکل عیسی مسیح آورنده کتاب انجیل] می میرم و روزی که [این بار: جهت تأویل نمودن متشابهات قرآن به شکل ؟؟؟؟؛ فرستاده موعود سوره بینه] زنده برانگیخته می شوم. (۳۳)

۱۶) نحل (آیه ۱۰۲: قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿۱۰۲﴾: *ای فرستاده موعود ما! بگو: روح القدس همان روح بزرگ خدا یا لوح محفوظ است که قرآن بزرگ در شب قدر بر او نازل شده؛ و او در زمانهای مختلف: قسمتهای متناسبی از آن را از جانب ربّ بحق [بر برخی از پیامبران (مانند عیسی مسیح) که خودش روح آنان بوده؛ از درون جانشان شخصاً وحی فرموده]، و بر پیامبران دیگر (مانند محمد) که روحشان روح الامین بوده توسط جبرئیل] نازل کرده، تا افراد با ایمان را ثابت قدم گرداند، و [پس از تأویل و تفسیر شدن متشابهات قرآن توسط فرستاده موعود سوره بینه که روحش روح القدس، همان روح عیسی مسیح است و اکنون پس از سالها به شکل «؟؟؟؟؟» آمده تا کتابش «قرآن بزرگ» با دلایل علمی] هدایت و بشارتی باشد برای عموم مسلمانان [جهان].* (۱۰۲)

توجه: بعد از تأویل شدن آیات قرآن تازه فهمیده‌ایم: گوینده کلیه آیات قرآن «روح القدس» می باشد و در حقیقت قرآن در شب قدر (= شبی بسیار تاریک و طولانی قبل از پدید آمدن نور حاصل از انفجار بزرگ یا big bang که ماده و ستارگانی مانند خورشید بوجود آمده) بر او نازل شده و اوست «لوح محفوظ» و اوست روحی که در بعضی آیات خداوند را سوم شخص «او» خطاب می کند! و قابل توجه این که: در آیه ۱۵ سوره مریم خودش را نیز «او» و در آیه ۳۳ سوره مریم «من» خطاب کرده و فرمود: به شکل عیسی زاده شدم!؛ و به شکل عیسی می میرم و به شکل فرستاده موعود خواهم آمد!، و بعضی از آیات قرآن را خطاب به حضرت محمد (ص) که روحش از «روح الامین» است! فرموده، و بعضی را خطاب به فرستاده موعودی که بعد از حضرت محمد (ص) با روحی از «روح القدس» خواهد آمد!، پس پیغمبری که در کتب تورات و انجیل و قرآن وعده آمدنش داده شده؛ تنها حضرت محمد (ص) آورنده محکمت قرآن نیست! بلکه به فرموده آیه ۶ سوره صف فرستاده ایست که مانند محمد؛ نامی به معنی احمد دارد! که باید بیاید و متشابهات قرآن را تأویل علمی خردمندانه نموده و در کتاب «قرآن بزرگ» بنویسد! تا مردم آگاه و تحصیل کرده قرن بیست و یکم کل جهان را به دین اسلام خالص!، راغب نماید. لطفاً ببینید:

۶۱) سوره صف (آیه ۶: وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۶﴾: و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شما هستم

تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او {به معنی} احمد است بشارت‌گرم، پس وقتی {محمد محکمت قرآن را آورد! مردم چون از علم کاملاً بی اطلاع بودند حقیقت آیات را نفهمیدند و گفتند این سحری آشکار است و چون بهنام در قرن بیست و یکم متشابهات قرآن را تأویل نمود و در قرآن بزرگ} برای آنان دلایل روشن آورد {بادیدن حقیقت آیات در کتاب قرآن بزرگ، بازهم!} گفتند: این سحری آشکار است (۶)

(۷) سوره اعراف (آیه ۱۵۷): الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۵۷﴾  
همانان که از این فرستاده {موعود ایرانی، همان} پیامبر درس {عربی و قرآن} نخوانده که {نام و نشان} او را نزد {کتاب آسمانی} خود در تورات و انجیل {و قرآن به معنی احمد} نوشته می‌یابند!، پیروی می‌کنند! {همان پیامبر موعود خدا که} آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه {بدون آلودگی میکربی و انگلی} را حلال و چیزهای ناپاک {آلوده به میکرب و باکتری و فاسد} را برایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که {از طرف متحجران و ناآگاهان بر علم و دانش امروز} برایشان بوده است برمی‌دارد، پس: کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با {تأویل} او {به نام کتاب قرآن بزرگ} نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند!  
(۱۵۷) {کار پسندیده = گفتار نیک، کردار نیک، پندار نیک}

{ توجه: بزرگان دین اسلام مفهوم حاصل از محکمت این آیه را مربوط به حضرت محمد(ص) دانسته‌اند!، ولی: (از تعریفات جرجانی): کلبی و فراء گفته‌اند هر رسولی نبی است ولی عکس آن درست نیست. ولی معتزله گفته‌اند میان آن دو فرقی نیست زیرا خداوند تعالی حضرت محمد را یک بار به لفظ نبی و بار دیگر به لفظ رسول خطاب فرموده است (پایان نقل قول از جرجانی). پس براساس هردو تعریف فوق الذکر: رسول یعنی نبی! و حالا (از اعلام المنجد بشنوید): پیامبر، پیغامبر، پیامبر و پیغمبر: در عرف مسلمانان کسانی را گویند که خداوند برای راهنمایی بشر و دین حق فرستاده. (پایان نقل قول) // پس چرا در آیه ۱۵۷ سوره اعراف: هر دو اسم در کنارهم آمده؟. آیا برای تأویل شدن به جمله: «این فرستاده {موعود ایرانی، همان} پیامبر درس {عربی و قرآن} نخوانده!»، نیست؟. ثانیاً - حضرت محمد (اللهم صل علی محمد و آل محمد) آیات قرآن را تأویل نکرده و نباید می‌کرد! زیرا: آن زمان علم و تکنولوژی پیشرفت لازم را نداشت و هنوز ذرات میکروسکوپی مانند: اتم و میکرب و باکتری شناخته نشده بود، لذا تا آمدن ویروس کرونا ۱۹ در اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی؛ همه مردم: علت نجس بودن را

آلودگی به ویروس و میکرب و باکتری و غیره، و الكل را پاک و پاک کننده آن‌ها نمیدانستند! ثالثاً - اگر آیه ۱۵۷ اعراف مربوط به حضرت محمد (ص) بود. در جمله: **التَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ: نوری را که با او نازل شده است**، باید می‌نوشت: **نوری که بر او نازل شده**، یعنی: بجای مَعَهُ می‌نوشت عَلَيْهِ، و آن موقع نمی‌توانستیم به صورت: **«نوری را که با {تأویل} او {به‌نام کتاب قرآن بزرگ} نازل شده است»** تأویل نماییم! آیات ذیل موضوع را خیلی روشن‌تر بیان می‌کنند{

(۷) **سوره اعراف (آیه ۱۵۸): قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۵۸﴾** // ای فرستاده موعود سوره بینه، ای {؟؟؟؟} **بگو: ای مردم من پیامبر خدا به سوی همه شما** / هر دین و مسلکی که دارید / **هستم**، همان که {خداوند بزرگ یکتا یا انرژی مطلق است} و {فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست هیچ معبودی جز او نیست که زنده می‌کند و می‌میراند، پس: {ای مردم مظلوم جهان و ایران} به خدا و فرستاده او {؟؟؟؟؟؟؟؟} که پیامبر درس {عربی و قرآن} نخوانده‌ای است و به خدا و کلمات {محکم قرآن} او ایمان دارد / و آنها را براساس علم و حقیقت تأویل می‌کند {بگروید، و او را پیروی کنید، امید که هدایت شوید (۱۵۸)}

توجه: مردم حضرت محمد (ص) را پیامبری که قرآن را برای مسلمان کردن مردم آورده می‌شناسند!، ولی حالا از آیات ۷ شورا و ۹۲ انعام متوجه شدیم با قرآن قرار بوده فقط اعراب ام القراء مکه و پیرامون آن را به اسلام دعوت کند! به همین دلیل نیز دین اسلام بین اهل علم و منطق و خرد جهان خریداری نداشته و تا کنون وعده (آیه ۲) **سوره نصر: وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲): و مردم را ببینی گروه گروه به دین خدا درآیند. (۲) /** تحقق نیافته! ولی در آیه ۱۵۸ اعراف می‌بینیم: فرستاده موعود ایرانی آمده تا متشابهات قرآن را براساس علم و منطق و خرد، تأویلی مورد قبول تحصیل کردگان و دانشمندان آگاه قرن بیست و یکم نماید، تا با آشکار شدن حقایق علمی قرآن همه مردم جهان با هر دین و مسلکی که دارند به دین اسلامی که کلیه قوانین حقوق بشر نوشته شده توسط دانشمندان یا «راسخان در علم» را قبول دارد!؛ درآیند! و به تعدد ادیان تاریخ مصرف گذشته جهان خاتمه داده شود! و به این دلیل گفته: **من پیامبر خدا بسوی همه شما هستم.**

(۷) **سوره اعراف (آیه ۱۸۴): أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ حِجَّةٍ إِن هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۱۸۴﴾** // آیا {مردم ایران} نیندیشیده‌اند که **همنشین آنان {؟؟؟؟؟؟}**، همان فرستاده موعود سوره بینه می‌باشد و برای چنین روزی آمده است {هیچ جنونی ندارد او جز نَذِيرٌ مُّبِينٌ} = آشکارکننده حقایق وحی و هشدار دهنده‌ای ازسوی خداوند یگانه { نیست (۱۸۴)}

۷) سوره اعراف (آیه ۱۸۵): **أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۸۵﴾** آیا در ملکوت آسمانها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده است ننگریسته‌اند، *لو مرگ آنها را ندیده‌اند؟* و اینکه شاید هنگام مرگ خودشان نزدیک شده باشد! *اگر با وجود دلایل علمی به قرآن بزرگ ایمان نیاورند؟* پس به چه حدیثی بعد از این ایمان خواهند آورد؟ (۱۸۵)

۷) سوره اعراف (آیه ۱۸۶): **مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿۱۸۶﴾** هر که را خدا گمراه کند برای او هیچ رهبری نیست و آنان را *تا روز قیامت* در طغیانشان سرگردان وا می‌گذارد (۱۸۶)

۷) سوره اعراف (آیه ۱۸۷): **يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱۸۷﴾** *ای محمد!* از تو در باره قیامت می‌پرسند [که] وقوع آن چه وقت است؟. بگو علم آن تنها نزد پروردگار من است، جز او *هیچ کس دیگری* آن را به موقع خود آشکار نمی‌گرداند، *این حادثه بسیار بزرگ* بر آسمانها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی‌رسد، *ای فرستاده موعود این دفعه!* از تو می‌پرسند گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی، بگو: علم آن تنها نزد خداست، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند (۱۸۷)

{توجه: در آیه فوق الذکر روح القدس می‌گوید: از تو در باره قیامت می‌پرسند، وقوع آن چه وقت است؟. بعد پیشنهاد می‌کند: بگو علم آن تنها نزد خداست دوباره می‌گوید: از تو می‌پرسند گویا تو از آن آگاهی، و بازهم پیشنهاد می‌کند: بگو علم آن تنها نزد خداست!، آیا این کار از روح القدس که حکیم و عقل کامل است عاقلانه می‌باشد؟. یک سؤال را دوبار پشت سرهم از یک نفر بکند؟ و یک جواب را نیز دوبار خودش پیشنهاد بکند؟. پس چون موضوع آیات این سوره «فرستاده» است، پس یقیناً سؤال از دو فرستاده مختلف است و چون همزمان حضرت محمد(ص) پیغمبر دیگری نبوده! پس چون قرآن متعلق به کل اعصار است، لذا مربوط به فرستاده موعود بعد از حضرت محمد(ص) می‌شود! لذا بنده تأویل فوق الذکر را نمودم!}

۷) سوره اعراف (آیه ۱۸۸): **قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۸۸﴾** *ای فرستاده موعود سوره بینه تو!* بگو *جز آنچه خدا بخواهد برای خودم اختیار سود و زیانی ندارم و اگر غیب می‌دانستم قطعاً خیر بیشتری می‌اندوختم و هرگز به من آسیبی نمی‌رسید!* من *جز بیم دهنده* = *إِلَّا نَذِيرٌ* = *بجز آگاه کننده از وحی!* و *بشارتگر برای گروهی که ایمان می‌آورند نیستیم*، *لذا: از بنده معجزی غیر از کتابم: کتاب قرآن بزرگ، نخواهید!*. (چون این آیه می‌تواند خطاب به هر دو پیامبر باشد! در سوره مربوطه توضیحات مفصلی دارد) (۱۸۸)



۲۷) نمل (آیه ۷۷: وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿۷۷﴾ و به راستی که آن {کتاب قرآن} رهنمود و رحمتی برای مؤمنان است (۷۷)

{چرا: در آیه ۷۷ نمل بجای ضمیر آن ؛ اسم قرآن را ننوشته ؟ زیرا باید با اشاره به دور ، کتاب قرآن نوشته شود! پس آقای یحیی زاده درست گفته: قرآن مال مؤمنان است!}

۲۷) نمل (آیه ۷۸: إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿۷۸﴾ در حقیقت {با تأویل آیات قرآن در کتاب قرآن بزرگ و روشن شدن اینکه: همه ادیان ابراهیمی از ریشه دین اسلام هستند و از یک کتاب در لوح محفوظ بر پیامبران نازل شده اند یعنی:} پروردگار تو طبق حکم خود میان آنان داوری می کند و اوست شکست ناپذیر دانا (۷۸)

۲۷) نمل (آیه ۷۹: فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿۷۹﴾ پس {ای؟؟؟} ، که فرستاده موعود در کتب تورات و انجیل و قرآن هستی} بر خدا توکل کن که {روح} تو واقعا {روح القدس است ، تو روح القدسی و} برحق آشکاری (۷۹)

{توجه!!! برحق آشکاری ، یعنی: روح موعود هستی که به این شکل آشکار شدی!}

{وقتی که آیات قرآن مبتنی بر علم و خرد تأویل و حقایقی بشرح فوق الذکر آشکار می گردند!، پس: هر سه وعده خداوند در تورات و انجیل و قرآن مبنی برآمدن: منجی عالم بشریت ، حضرت عیسی مسیح و فرستاده موعود سوره بینه: عملی شده! پس خداوند به وعده فرستادن پیغمبر موعود تمام ادیان! عمل کرده و به همین علت در تمام سوره های قرآن مخصوصاً سوره نمل در مورد تمام مسائل امروز جهان! روشننگری نموده ، مثلاً با مشخص شدن اینکه تمام ادیان گذشته مقدمه تکمیل شدن دین مدرنی به نام اسلام خالص بوده! یعنی: امروز با توجه به علم و تکنولوژی پیشرفته قرن بیست و یکم ، کلیه احکام غیر علمی و نامعقول ادیان تاریخ گذشته یهودیت و مسیحیت و مذاهب مختلف اسلام ، که مربوط به دوران جاهلیت قبل از ۱۴۰۰ سال هستند همه منسوخند! ، و با آمدن فرستاده موعود همه ادیان و همدین شدن تمام مردم ، باید طرحی نو و احکامی خردمندانه مناسب امروز گفته شود! و بدین ترتیب خداوند بفرموده آیه ۷۸ سوره نمل میان اختلافات کلیه ادیان داوری کرده و با مسلمان مدرن شدن همه ، تکلیف اختلافات همه ادیان از جمله کشورهای اسرائیل و فلسطین نیز مشخص گردیده! و با مشخصاتی که در کتاب قرآن بزرگ معرفی کرده ؛ می بینیم منظور خداوند: حکومت های جمهوری پارلمانی دموکراتیک می باشد ، که امروز تمام ملل پیشرفته و آگاه به علوم زمان و قوانین طبیعت و حقوق بشر ، قبولش دارند و در کشورهای خود به اجرا گذاشته اند!}

۱۱) سوره هود (آیه ۷: وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۷﴾: و اوست

کسی که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و پس به فرموده آیه ۴ سوره سجده بر عرش قرار گرفت { عرش او بر {امواج انرژی روان و جاری چون نهرهای} آب بود! تا شما را بیازماید که کدام یک {در تأویل کردن آیات} بهتر عمل می کنید و {ای فرستاده موعود سوره بینه} اگر بگویی شما پس از مرگ {به صورت امواج انرژی روح} برانگیخته خواهید شد، قطعاً کسانی که کافر شده اند خواهند گفت: این جز سحری آشکار نیست (۷)

در قرآن آیاتی با جملاتی مانند: شش روز و هفت آسمان و هفت طبقه آسمان؛ می بینیم که هرکدام برای خود تأویلی شگفت انگیزی دارند که در کتاب قرآن بزرگ خواهید دید ولی آنچه اینجا لازم است بگویم: به طور کلی هر جسمی که دمایش از صفر مطلق بیشتر باشد، از خودش امواج الکترومغناطیسی در همه ی طول موج ها ساطع می کند. بسته به میزان دمای آن؛ مقدار هر طول موج متفاوت است، دمای بیشتر، مقدار امواج با طول موج کوتاهتر بیشتر و بلعکس. پس می توان منابع امواج الکترومغناطیسی را به دو دسته حرارتی و غیر حرارتی تقسیم کرد. در قرآن امواج حرارتی با نام سجین معرفی شده که مشخصات روح گناهکاران است و جایش در جهنم!، و امواج غیر حرارتی با نام علیین که مشخصات روح مؤمنین است و جایش در بهشت! و به نظر بنده جهان ما مانند یک هندوانه بسیار بزرگ است که عرش معرفی شده در قرآن (که بهشت و جهنم موعود نیز آنجاست): همان انرژی تاریک مکشوف دانشمندان است که مانند پوست هندوانه بسیار کلفت؛ محیط بر مغز هندوانه (=جهان مادی ما) می باشد و جرم فوق العاده زیادش اجرام این دنیا را جذب خود می کند و حرکت انبساطی جهان حاصل آن است (یعنی: تمام کپکشانها و ستارگان با سرعت فزاینده ای از مرکز جهان و همچنین از یکدیگر فاصله می گیرند). و طبق قانون نسبیت خاص سرعت ماده وقتی به سرعت نور (= امواج الکترومغناطیسی) برسد «روز قیامت» است و تمام ماده موجود در آن ستاره یا سیاره تبدیل به انرژی خواهد شد. پس نهرهای روان نام برده در آیات!، اگر به حرکت موجی «سبحان» (=شناور) یا امواج انرژی شناور تأویل نشوند: بازگو کننده حقیقت نیستند. لطفاً توصیف بهشت را در آیه ۳۵ رعد ببینید:

**(۱۳) رعد (آیه ۳۵):** مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكْلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ ﴿۳۵﴾ **۳۵:** وصف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده {این است که امواج انرژی ارواح مؤمنین به صورت} نهرهای آب از فرو دست آن جاری است، ماکولاتش {به صورت امواج انرژی} همیشگی و {در آنجا همه چیز بدون} سایه است!، این است فرجام کسانی که پرهیزکاری کرده اند {با امواج انرژی علیین بر بهشت وارد خواهند شد}، و فرجام کافران {امواج انرژی روحی با مشخصات سجین، در} آتش {جهنم بودن} است (۳۵)

ماکولاتش همیشگی یعنی: به شکل امواج انرژی است! زیرا ماده فانیست و انرژی ابدی! و در بهشت ماده و خورشیدی وجود ندارد تا سایه ای باشد! در آخرت نیز روح متقیان مشخصات علیین را دارند؛ و به صورت امواج انرژی غیر حرارتی در بهشت جاویدانند، و گنهکاران که روحشان به صورت امواج انرژی دارای مشخصات

سجین می‌باشد؛ برای همیشه در جهنم خواهند ماند تا جزئی از امواج انرژی حرارتی (که فضایی کروی شکل بین این دنیا و آن دنیا در ابتدای انرژی تاریک محیط بر دنیای مادی ما قرار دارد) گردند!

۷) **سوره اعراف (آیه ۴۳):** وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍ تَجْرِي مِّنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَتُودُوا أَنْ تَتَّكُمُ الْجِنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۴۳﴾: و هر گونه کینه‌ای را از سینه‌هایشان می‌زداییم از فرودستانشان {امواج انرژی ارواح مؤمنین، همچون} نهرها جاری است و می‌گویند ستایش خدایی را که ما را بدین {سرنوشت: توسط فرستادگانش} هدایت نمود و اگر خدا ما را {توسط فرستادگانش} رهبری نمی‌کرد ما خود هدایت نمی‌یافتیم، در حقیقت فرستادگان پروردگار ما به حق آمدند {و کتاب آسمانی آوردند و هدایت‌مان کردند}، و {در این هنگام} به آنان ندا داده می‌شود که این همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می‌دادید میراث یافته‌اید {لطفاً فکر کنید: آیا قبل از تأویل شدن؛ جملات این آیه کامل و روشن هستند؟} (۴۳)

۶) **سوره انعام (آیه ۱۹):** قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿۱۹﴾: {ای فرستاده موعود به مشرکان} بگو: گواهی چه کسی از همه برتر است، بگو: {قطعاً گواهی خداوند بزرگ، پس} خدا میان من و شما گواه است، و {تأویل} این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن شما و هر کس را {که دستم} برسد؛ هشدار دهم، آیا واقعا شما گواهی می‌دهید که در جنب خدا، خدایان دیگری است؟. بگو من گواهی نمی‌دهم!. {و به آنها نیز} بگو او {انرژی مطلق است و} تنها معبودی {است که در حین پراکندگی در آسمانها و اجسام کل جهان} یگانه است و بی‌تردید من از آنچه شریک [او] قرار می‌دهید بیزارم (۱۹)

۳۷) **صافات (آیه ۱۱):** فَاسْتَفْتِهِمْ أَهَمْ أَسَدٌ حَلَقًا أَمْ مِّنْ حَلَقَتْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّنْ طِينٍ لَّازِبٍ ﴿۱۱﴾: پس {از کافران} بپرس آیا ایشان [از نظر] آفرینش سخت‌ترند؟ یا آنچه {در جهان می‌بینید و نمی‌بینید!} را با انفجار بزرگ انرژی {آفریده‌ایم؟} {در صورتی که} ما {با دمیدن روحمان / اجداد} آنان را از گلی چسبنده {یا لجن سیاه} پدید آوردیم (۱۱)

۳۷) **صافات (آیه ۱۲):** بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿۱۲﴾: {ای بهنام که آیات قرآن را تأویل علمی و منطقی می‌کنی} بلکه {تو از سخنان علمی شگفت انگیز قرآن} عجب می‌داری! و {اما کافران نا آگاه از علم و دانش، آن را} ریشخند می‌کنند! (۱۲)

{اگر دقت کنید: ترجمه حاصل از محکمت این دو آیه ، بدون تأویل شدن متشابهاتشان: جملاتی ناقص اند!}

(۳۱) لقمان (آیه ۲۰: أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿۲۰﴾: آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است {به وسیله علم و دانش} مسخر شما ساخته و نعمتهای ظاهر و باطن خود را {نیز به وسیله علم و دانش و خرد} بر شما تمام کرده است، و برخی از مردم {نا آگاه به علم و دانش و خرد} در باره خدا {که همان انرژی مطلق سبحان است} بدون علم و رهنمود و کتابی روشن: به مجادله برمی‌خیزند (۲۰)

(۴۶) سوره احقاف (آیه ۸: أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۸﴾: یا می‌گویند این {چیزهایی} را {که به‌نام در بین آیات قرآن به-عنوان تأویل متشابهات نوشته ، همه را از خود} بر یافته است بگو اگر آن را بر یافته باشم {خدا مرا عذاب خواهد داد و شما} در برابر خدا اختیار {گفتن} چیزی برای من ندارید او آگاه‌تر است به آنچه {با هدف معبود تراشی برای هوس خود} در آن فرو می‌روید گواه بودن او میان من و شما بس است و اوست آمرزنده مهربان (۸)

(۴۶) سوره احقاف (آیه ۳۳: أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْزِبْ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۳۳﴾: مگر ندانسته‌اند که آن خدایی که آسمانها و زمین را آفریده و در آفریدن آنها درمانده نگردید، قادر است مردگان را زنده کند!، آری اوست که بر همه چیز تواناست {و اکنون روح القدس ، روح عیسی مسیح را طبق فرموده آیه ۱۸ فصل ۱۴ انجیل یوحنا به شکل ؟؟؟ زنده آورده} (۳۳)

(۶) سوره انعام (آیه ۱۲۲: أَوْ مَن كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّتَلَّهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زِينٌ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۲۲﴾: آیا کسی که {به شکل عیسی} مرده بود و {او را به شکل ؟؟؟} زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری {چون قرآن بزرگ} پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم {سربند} راه برود!، چون کسی است که {در سرداب سامرا} گویی گرفتار در تاریکی‌هاست و از آن بیرون آمدنی نیست!. این گونه برای کافران آنچه انجام می‌دادند {توسط شیطانها} آراسته شده است (۱۲۲)

(۵) مائده (آیه ۱۵: يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ ﴿۱۵﴾: ای اهل کتاب! فرستاده ما {بعد از فاصله و فترتی میان رسولان ، هم

اکنون با کتاب روشنگری { به سوی شما آمد، در حالی که بسیاری از {حقایق متشابهات} کتاب آسمانی {قرآن} را که شما کتمان کردید {در کتاب: قرآن بزرگ} روشن می‌سازد، و از بسیاری از آن {که گفتنش مصلحت نیست!} صرف نظر می‌نماید، (آری) از طرف خدا، نور و کتاب روشنگری {به نام کتاب قرآن بزرگ} به سوی شما آمد.

(۱۵)

(۵) مائده (آیه ۱۹): يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُولِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۹: ای اهل کتاب {و مشرکین و کافرین} رسول ما پس از فاصله و فترتی میان رسولان، به سوی شما آمده، در حالی که حقایق {متشابهات قرآن} را برای شما بیان می‌کند، تا مبدا بگویید: «نه بشارت دهنده‌ای به سراغ ما آمد، و نه آگاه کننده‌ای از وحی» هم اکنون بشارت دهنده و آگاه کننده از وحی، به سوی شما آمد. و خداوند بر هر چیزی تواناست.

(۱۹)

(۷) اعراف (آیه ۵۲): وَلَقَدْ جِئْنَاہُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاہُ عَلَىٰ عِلْمٍ ھُدًىٰ وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ یُّؤْمِنُونَ (۵۲: در حقیقت ما برای آنان {= مردم} کتابی آوردیم که آن را از روی دانش {راسخان در علم} روشن و شیوایش ساخته ایم و {قبل از تأویل و تفسیر شدن براساس دانش راسخان در علم فقط} برای گروهی که ایمان می‌آورند هدایت و رحمتی است

(۵۲)

(۷) سوره اعراف (آیه ۵۳): هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَل لَّنَا مِن شَفْعَاءٍ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (آیه ۵۳: آیا {مردم} جز در انتظار تأویل {متشابهات} آند؟ روزی که {موعد} تاویلش فرا رسد {و براساس علم «راسخان در علم» توسط فرستاده موعود سوره بینه تأویل گردد} کسانی که آن را پیش از آن به فراموشی سپرده‌اند می‌گویند: حقا فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند، پس آیا [امروز] ما را شفاعتگرانی هست که برای ما شفاعت کنند؟! یا {ممکن است ما به دنیا} بازگردانیده شویم، تا غیر از آنچه {تاکنون} انجام می‌دادیم انجام دهیم. به راستی که {کافران و اهل کتاب و مشرکان} به خویشتن زیان زده‌اند و آنچه را به دروغ {برای گمراه کردن مردم} می‌ساختند، از کف داده‌اند، {دیگر نمی‌توانند آیات قرآن را سحر پیشینیان و غیر علمی بخوانند، یا از بین خود کسی را به ربوبیت و ولایت برگزینند. بهتر است پیروان همه ادیان به دین اسلام خالص درآیند.}

(۵۳)

۱۰) سوره یونس (آیه ۳۷): وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۳۷﴾ و {اگر به علم آگاه باشند؛ پس از تأویل صحیح آیات قرآن خواهند دید؛ چنان نیست که این قرآن از جانب غیر خدا [و] به دروغ ساخته شده باشد!، بلکه تصدیق [کننده] آنچه {کتب} پیش از آن است می‌باشد، و {تأویل شدن آیات قرآن در کتاب قرآن بزرگ} تفصیلی برای آنهاست!، {پس} شکی در آن نیست که {کتب آسمانی و قرآن و قرآن بزرگ همه} از طرف پروردگار جهانیان آمده است.

(۳۷)

{لطفاً توجه فرمایید! قطعاً کلمه «تفصیلی» این آیه یک کلمه کلیدی روشنگر برای تأویل شدن فوق‌الذکر و تأیید عرایضی است که سعی کردم در چند صفحه این مقاله به اشکال مختلف بیان کنم! و ضمیر «این دو» آیه ذیل نیز از شواهدی است که فقط برای تأویل شدن بشرح ذیل و تأیید عرایض بنده آمده است}

۲۸) سوره قصص (آیه ۴۹): قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَنْتَغَهُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۴۹﴾ // ای فرستاده موعود سوره بینه به کافران {بگو} چنانچه فکر می‌کنید کتب قرآن و قرآن بزرگ از سوی خدا نیامده {پس اگر راست می‌گویید کتابی از جانب خدا بیاورید که از این دو {کتاب} هدایت کننده‌تر باشد تا پیرویش کنم

(۴۹)

{توجه: آیه ۴۹ سوره قصص چه تأویل بشود و یا نشود: کلمه «بگو» نمی‌تواند خطاب به حضرت محمد (ص) باشد. زیرا: آن زمان «این دو» (که منظورش کتاب قرآن و قرآن بزرگ است)، مطرح نبود}

۷۶) سوره انسان (آیه ۲۹): إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿۲۹﴾: این (قرآن) اندرز و یاد آوری {برای تمام اعصار} است و هرکس که بخواهد {می‌تواند با تأویل صحیح} راهی به سوی پروردگارش برگزیند.

(۲۹)

۷۶) سوره انسان (آیه ۳۰): وَمَا تَشَاوُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۳۰﴾: شما نمیتوانید {هر چیزی را با اندیشه خود} بخواهید مگر اینکه خدا بخواهد. بیگمان خداوند بس آگاه و کار بجا است.

(۳۰)

۷۶) سوره انسان (آیه ۳۱): يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۳۱﴾: خداوند هر کس را بخواهد {با هدایت به اندیشیدن درست} به بهشت خویش داخل میگرداند ولی برای ستمکاران {برخود و دیگران که از اندیشه خود درست استفاده نکنند} عذاب دردناکی را {در این دنیا و آخرت} فراهم ساخته است.

(۳۱)

{این آیات اشاره به قانون جذب دارند}

(۵) مائده (آیه ۵۲): فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ ﴿۵۲﴾: می بینی کسانی که در دل‌هایشان بیماری است در [دوستی] با آنان شتاب می‌ورزند. می‌گویند می‌ترسیم به ما حادثه ناگواری برسد امید است خدا از جانب خود فتح {موعود در سوره فتح و نصر} یا امر دیگری را {که خود صلاح می‌داند} پیش آورد تا [آنان و کسانی که دلشان بیمار است با حقیقت آشنا و] از آنچه در دل خود نهفته داشته‌اند پشیمان گردند.  
(۵۲)

{توجه! امر دیگری: آمدن فرستاده موعود است}

(۵) مائده (آیه ۵۳): وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ﴿۵۳﴾: و کسانی که {به دین اسلام خالص} ایمان آورده‌اند {وقتی جلای وطن جوانان و گرویدنشان به ادیان دیگر را می‌بینند} می‌گویند: آیا اینان بودند که {در انقلاب علیه محمد رضا شاه} به خداوند سوگندهای سخت می‌خوردند که {به مذهب شیعه اثناعشری ایمان آورده‌اند و در مبارزه با استکبار، تا رفع فتنه از عالم} جداً با شما هستند {ولی این مردم با گرویدن به ادیان غیر اسلام} اعمالشان تباه شد و زیانکار گردیدند.  
(۵۳)

{توجه: اشاره به جوانانی که برای پناهنده شدن به کشورهای بیگانه تغییر دین می‌دهند!}

(۵) مائده (آیه ۵۴): يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَىٰ الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۵۴﴾: ای کسانی که {به دین اسلام خالص} ایمان آورده‌اید هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند [اینان] با مؤمنان فروتن {هستند و} بر کافران سرفرازند!، در راه خدا {با مشرکان} جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند این فضل خداست آن را به هر که بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر داناست.  
(۵۴)

(۵) مائده (آیه ۵۵): **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿۵۵﴾**:  
 {ای کسانی که ایمان آورده‌اید: گوی ولی فقیه را نخورید} ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست، و کسانی که ایمان آورده‌اند همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و {جهاد می‌کنند} آنها رکوع کنندگان هستند  
 (۵۵)

(۱۶) نحل (آیه ۳۵): **وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿۳۵﴾** و کسانی که {بر وحدانیت خداوند} شرک ورزیدند، گفتند: اگر خدا می‌خواست نه ما و نه پدرانمان هیچ چیزی را غیر از او نمی‌پرستیدیم و بدون [حکم] او چیزی را حرام نمی‌شمردیم! پیش از آنان {پدران و اجدادشان نیز چنین گفتند و} چنین رفتار کردند، و {چه اشتباه بزرگی انجام دادند} آیا جز ابلاغ آشکار {حقیقت} بر پیامبران {وظیفه دیگری} است  
 (۳۵)

(۱۶) نحل (آیه ۳۶): **وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ ﴿۳۶﴾** و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای {از خودشان} برانگیختیم {تا به آنها بگوید} خدا را پرستید و از طاغوت بپرهیزید. پس از {قوم} ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده!، و از {قوم} ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است؟. بنابراین در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب‌کنندگان {پیامبران} چگونه بوده است  
 (۳۶)

{توجه! راز اصلی محافظت از کتاب و قرآن آمدن پیامبران است که از طریق وحی هر کدام کتابی کامل تر از کتاب قبلی را آورده‌اند! امیدوارم آقای یحیی زاده صاحب کلام قرآن را خدا، و رسول را فقط پیام رسان شناخته باشد}

(۲) بقره (آیه ۲۵۶): **لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۵۶﴾**: در قبول دین اکراهی نیست. {زیرا امروز با تأویل‌های روشنگر بهنام} راه درست از راه انحرافی روشن شده است، بنابراین، هرکس به طاغوت {= بت و شیطان، و هر موجود طغیانگری که ادعای ولایت و شفاعت می‌کند} کافر شود و به خدا {فرستاده موعودش و اسلام خالص} ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است. که گسستن برای آن نیست و خداوند شنوا و داناست.  
 (۲۵۶)



۲) بقره (آیه ۲۵۷): اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۵۷﴾ خداوند «ولی» کسانی است که ایمان آورده‌اند، {خداوند به برکت کتاب قرآن بزرگ روشنگرش} آنان را از تاریکیها خارج ساخته به سوی نور می‌برد، اولیای کسانی که کفر ورزیده‌اند طاغوتها هستند، که آنان را {توسط کتب گمراه کننده خود} از نور خارج ساخته به سوی ظلمت‌ها می‌برند، آنان اهل دوزخند که خود در آن جاودانه خواهند بود. (۲۵۷)

پس در زمانهای گذشته روح القدس یا لوح محفوظ برای فرستادن کتب آسمانی؛ مطالبی متناسب با فهم و درک مردم را بر ارواح فرستادگان منتخب از بین مردم همان زمانها وحی کرده!، و (در قرآن دیدیم) خودش علاوه بر ظاهر شدن به شکل حضرت یحیی (ع) یکبار به شکل حضرت عیسی مسیح (ع) ظاهر شده و کتاب «انجیل» را آورده! و بار دیگر طبق وعده اش در انجیل به شکل فرستاده موعود تمام ادیان ظاهر شده و متشابهات قرآنی را که حضرت محمد (ص) با روحی از روح الامین فقط محکماش را آورده بود کاملاً تأویل و بالغ نموده تا کتاب «قرآن بزرگ» شده! و قطعاً مفهوم آیات و احکامش تنها راه نجات بشریت از مشکلات موجود می‌باشد!

و در مورد فرمایشات آقای حیدری نیز خوب فکر کنید: آیا ممکن است مطالب کتب درسی دانش آموز دبستانی! با مطالب کتب دانشجوی دانشگاهی یکی باشد؟! تا مفهوم آیات قرآن مردم دبستانی (زمان جاهلیت)، با مفهوم قرآن مردم دانشگاهی (عصر: علم، صنعت، تکنولوژی و اینترنت) در قرن بیست و یکم، یکی باشد?!.

شک نکنید آمدن «فرستاده موعود» و تأویل شدن متشابهات قرآن همان «امر دیگری» فرموده آیه ۵۲ سوره مائده می‌باشد! که باید با همکاری مردم جان بر لب رسیده منتظر تغییر! و بزرگان دینی و دولتی حاکم بر ایران که از «حقایق قرآن» بی‌خبرند! و دانشمندان و روشنفکران دگر اندیشان منتظر تغییر در وضع موجود!، سر و سامان یابد و غیر از آن نیز هیچ «امر دیگری» امکان تغییر در وضع موجود را ندارد!.

لطفاً دلایل بیشتر و کتاب «قرآن بزرگ» را در وبسایت [www.rasekhan.com](http://www.rasekhan.com) ببینید. والسلام.

تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۱ شمسی، بنده خدا: بهنام بهنام